خراسان روزنامه صبح ایران
پنجشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶ . ۲۲ رجب ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۱۵

مستور «گربه همسایه» را به کتاب‌فروشی‌ها فرستاد

نشر مرکز مجموعه شعر «گربه همسایه» سروده مصطفی مستور را اهی بازار نشر کرد. به گزارش مهر، این کتاب ۲۵ شعر کوتاه سپید را از این داستان‌نویس در بر می‌گیرد که شخصیت گربه همسایه در آن‌ها، حضور پررنگی دارد. پشت جلد کتاب هم این جمله درج شده است: حیوانات همسایگان ما هستند، با همسایه مهربان باشیم.
رمان روی ماه خداوندر ابیوس، چند روایت معتبر، استخوان خوک و دست‌های جذامی، حکایت عشقی بی‌قاف و... پیش از این کتاب از مستور به چاپ رسیده‌اند.

ناگهان شعر

امروز باسعدی شیرازی

یار ابهشت صحبت یاران همدم است
دیدار یار نامتناسب جهنم است
هر دم که در حضور عزیزی برآوری
دریاب کز حیات جهان حاصل آن دم است
نه هر که چشم و گوش و دهان دارد آدمی است
بس دیورا که صورت فرزند آدم است
آن است آدمی که در او حسن سیرتی
یا لطف صورتی است دگر حشو عالم است
هرگز حسد نبرده و حسرت نخورده‌ام
جز بر دوروی یار موافق که در هم است
آنان که در بهار به صحرا نمی‌روند
بوی خوش ربیع بر ایشان محرم است
آن سنگ دل که دیده بدوز در روی خوب
پندش مده که جهل در او نیک محکم است
آرام نیست در همه عالم به اتفاق
ور هست در مجاورت یار محرم است
گر خون تازه می‌رود از ریش اهل دل
دیدار دوستان که ببینند مرهم است
دنیا خوشست و مال عزیزست و تن شریف
لیکن رفیق بر همه چیزی مقدم است
ممسک برای مال همه ساله تنگ دل
سعدی به روی دوست همه روزه خرم است
***
هرگز نبود سرو به بالا که تو داری
یا مه به صفای رخ زیبا که تو داری
گر شمع نباشد شب دلسوختگان را
روشن کند این غره غرا که تو داری
حوران بهشتی که دل خلق ستادند
هرگز نستانند دل ما که تو داری
بسیار بود سرو روان و گل خندان
لیکن نه بدین صورت و بالا که تو داری
پیداست که سرپنجه ما را چه بود زور
با ساعد سیمین توانا که تو داری
سحر سخنم در همه آفاق ببردند
لیکن چه زند باید بیضا که تو داری
امثال تو از صحبت ما ننگ ندارند
جای مگسست این همه حلوا که تو داری
این روی به صحرا کند آن میل به بستان
من روی ندارم مگر آن جا که تو داری
سعدی تو نیاز امی و کوته نکنی دست
تا سر نرود در سر سودا که تو داری
تا میل نباشد به وصال از طرف دوست
سودی نکند حرص و تمنا که تو داری
***
روزگار یست که سودا زده روی توام
خوابگه نیست مگر خاک سر کوی توام
به دو چشم تو که شوریده‌تر از بخت منست
که به روی تو من آشفته‌تر از موی توام
نقد هر عقل که در کیسه پندار م بود
کمتر از هیچ برآمد به ترازوی توام
همدمی نیست که گوید سخنی پیش منت
محرمی نیست که آرد خبری سوی توام
چشم بر هم نزنم گر تو به تیرم بزنی
لیک ترسم که بدوزد نظر از روی توام
زین سبب خلق جهانند مرید سخنم
که ریاضت کش محراب دو ابروی توام
دست موتم نکند میخ سر اپرده عمر
گر سعادت بزند خیمه به پهلوی توام
تو مپندار کز این در به ملامت بروم
که گرم تیغ زنی بنده بازوی توام
سعدی از پرده عشاق چه خوش می‌گوید
ترک من پرده بر انداز که هندوی توام

موسیقی

آخرین وضعیت سلامتی استاد شجریان از زبان فرزندش

جای نگرانی نیست حال پدر خوب است

عبدالهی- پس از مدت ها سکوت خبری درباره وضعیت سلامتی استاد محمدرضا شجریان و انتشار برخی شایعات در فضای مجازی، سه شنبه شب فرزند این هنرمند با انتشار ویدئویی از سلامت او خبر داد و درخواست کرد که علاقه مندان به استاد از انتشار شایعات پرهیز کنند. «آریان شجریان» در این ویدئو که از طریق اینستالایو منتشر شد، گفت: «درخواستی که خیلی وقت پیش پدر از ما داشت این بود که دوست ندارد در شرایط فعلی بیماری، تصاویری از او پخش شود و به همین دلیل است که می بینید گاهی یک، دو یا سه ماه خبر و عکسی درباره پدر منتشر نمی شود. می دانیم که شرایط سختی است و وقتی مدت زمان بی خبری طولانی می شود شایعاتی هم مطرح می شود، این کار خوب نیست، من از شما می خواهم اگر واقعا استاد را دوست دارید این شایعات را پخش نکنید، البته می دانم خیلی از مردم چنین شایعاتی را منتشر نمی کنند. چون هم باعث ناراحتی می شود و هم ما را به دردسر می اندازد. حال بابا خیلی بهتر است و روز به روز دارد بهتر می شود. تمرین های فیزیوتراپی شان را انجام می دهند، با من فوتبال تماشا می کنند، با خانواده می گویند و می خندند و شوخی می کنند، خلاصه حال بابا خوب است و به تبع آن حال همه ما هم خوب است. ان شاءا... به زودی خبرهای خوبی از ایشان بشنویم، ایشان دارند زندگی شان را می کنند و آرام آرام حالشان بهتر می شود. جای نگرانی نیست.
همزمانی انتشار این پیام با شب بازی رئال مادرید و بایرن مونیخ در لیگ قهرمانان باشگاه های اروپا سبب شد تا آریان شجریان، به علاقه مندی استاد شجریان به تیم رئال هم اشاره کند و بگوید: «امشب بازی رئال و بایرن مونیخ است، ان شاءا... رئال ببرد که واقعا بابا خیلی خوشحال می شود. دفعه قبل که رئال دو گل زد، بابا خیلی خوشحال شده بود».

به مناسبت یکم اردیبهشت یاد روز سعدی

حدیث یا شکر است آن که در دهان داری

دکتر امیر الهامی
international@khorasannews.com

ترنم گوش نواز و دل انگیز غزل سعدی، بی شک رهاوردی یک شبه نیست؛ پالایش واژگان و قابل‌مند ساختن زبان برای خلق آثار گران‌سنگ و هنری تاروزگار سعدی، حاصل تلاش جمعی بوده است نه دستاورد فردی؛ اما در این میان سعدی بهترین میراث‌داری بود که از این زبان بالغ‌شده که نشان تربیت سخنوران بسیاری را در ناصیت خویش داشت، توانست آثار فاخری در حوزه نثر و نظم برای ایرانیان و جهانیان خلق نماید و با استادی در هر دو حوزه نثر و نظم، به حق استاد سخن لقب گیرد. لقبی که در میان بزرگان سخن فارسی فقط شایسته اوست زیرا شاعران کمتر به نثر می‌پرداختند و نثرنویسان نیز گاهی به تکلف شعری می‌سرودند و یا اگر بودند کسانی همچون خاقانی و عطار و قائم مقام که قدم در دو عرصه نظم و نثر می‌نهادند، شعر و نثرشان در یک پایه قرار نداشت یا مانند خاقانی شعری زیباتر از نثر داشتند یا چون قائم مقام نثرشان را باید از شعر برتر نهاد.
مشروعیت شعر با حوزه اقبال مخاطبان و کاربرد آن شعر در میان مردم- به شرط رعایت جلوه‌های شاعرانه - در ارتباط است و این ارتباط نشان از تأثیرگذاری شعر دارد و در این خصوص سعدی قافله سالاری بی‌بدیل است. جدا از فرشی ایرانی آویخته بر سازمان ملل که آراسته به شعر اوست:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار

صحیفه دل کدام ایرانی است که مزیّن نشده باشد «به نام خدای عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت» و یا کدام فارسی زبان است که نداند «در ناامیدی بسی امید است/ پایان شب سیه سپید است». این مفاهیم، مفاهیمی نو نیست. سعدی است که به لطف کیمیای گفتارش به ماناترین صورت، اندیشه‌های ما را بیان کرده است. مقبولیت گفتار سعدی نه تنها در ایران امروز که در جهان دیروز هم رواج داشته است. ابن بطوطه (متوفی ۷۷۹-۷۰۳ هـ ق) عالم و جغرافیدان مشهور در سفرنامه خود با عنوان رحله ابن بطوطه می‌نویسد: «[امیر الامرای چین] هنگام خداحافظی پسر خود را به اتفاق ما به خلیج فرستاد و ما سوار کشتی شدیم و پسر امیر در کشتی دیگر نشست.
مطربان و موسیقی‌دانان نیز با او بودند و به چینی و عربی و فارسی آواز می‌خواندند. امیرزاده آوازهای فارسی را خیلی دوست می‌داشت و آنان شعری به فارسی می‌خواندند. چندین بار به فرمان امیرزاده آن شعر را تکرار کردند چنانکه از دهانشان فرا گرفتم و آن آهنگ عجیبی داشت و چنین بود:

تا دل به مهرت داده‌ام، در بحر فکر افتاده‌ام
چون در نماز استاده‌ام، گویی به محراب اندری
هم دیروز آن را ناآشنایان به زبان و ادبیات ما در کشتی می‌خواندند و هم امروز از پس مطالعات و تتبعات ادبی بسیار آن را در ایران زمین می‌خوانند، همه می‌فهمند و هر کس به قدر وسعت دانش خویش از آن لذت می‌برد. به قول دکتر اسلامی ندوشن «این تنها، خصوصیات سعدی است که سخنش به سخن همه شبیه باشد و به هیچ کس شبیه نباشد. در زبان فارسی، احدی نتوانسته است مانند او حرف بزند و در عین حال، نظیر حرف زدن او را هر روز در کوچه و بازار می‌شنویم. این صافی سحار اوست که درک سخن را می‌پالاید و در یک چشم به هم زدن که ما نمی‌توانیم به شگردش پی ببریم، آن را از عادی بودن به فوق العاده و فوق طاقت ارتقا می‌دهد.»
در کنار تمام این آراستگی‌های ظاهری زبان، بر حکمت حاکم در کلام سعدی نیز نمی‌توان خرده گرفت. او در حوزه‌های مختلف صاحب نظر است و حتماً فراموش نکرده‌ایم که او تحصیل کرده نظامیه بغداد است. دانشگاهی که دانشجویان ممتازی چون سعدی در آنجا بورسیه کامل دریافت می‌کردند و خود او می‌گوید: «مرا در نظامیه ادرار بود/ شبانروز تلقین و تکرار بود (ادرار: حقوق مستمری)» مثلا در حوزه تعلیم و تربیت، گاه بر این باور است که «پسر نوح با بدان بنشست/ خاندان نبوتش گم شد/ سگ اصحاب کهف روزی چند/ پی نیکان گرفت و مردم شد» و بر این پایه، بر امر تربیت تأکید می‌کند و گاه معتقد است «عاقبت گرگ زاده گرگ شود/ گرچه با آدمی بزرگ شود» و یا «پرتو نیکی نگیرد آنکه بنیادش بد است/ تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است» و در این میان نه تنها به تناقض سخن نگفته که دقیقاً بر گوناگونی تأثیر جریان‌های تربیتی در کنار باورهای وراثت نظر دارد و عجبا که چنین دستاورد نوینی در جهان روان‌شناسی امروز در کلام دیروز سعدی به چشم می‌خورد.
سعدی کتاب جامعه را بیش از کتاب‌های مدرسه در مطالعه دائم خویش دارد و هیچ چیزی از عوامل و صحنه‌های زندگی از نظر وی پنهان نمی‌ماند و به تعبیری «این همدم کودک و دستگیر پیر» از هفتصد سال پیش به این سو مانند هوا در فضای فکری فارسی زبانان جریان داشته است و هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته شده نباشد.

روایت ظریف از راه یافتن شعر "بنی آدم" سعدی به سازمان ملل

وزیر امور خارجه کشورمان با گرامیداشت روز سعدی، در مطلبی در اینستاگرام خود به تشریح روایت چگونگی نصب فرش ایرانی که در آن شعر معروف سعدی به عنوان "بنی آدم" با نخ طلا در آن نوشته شده است بر دیوار سازمان ملل پرداخت.
شاید ماجرای نصب فرش نفیس مزین به شعر معروف "بنی آدم" شیخ اجل در سازمان ملل متحد برای دوستان جالب باشد.
همه ما از کودکی در کتاب‌ها خوانده بودیم که بالای در ورودی سازمان ملل متحد این شعر معروف سعدی را نوشته‌اند. در سال ۱۳۶۱ که برای اولین بار به نیویورک و سازمان ملل متحد رفتم، همه ساختمان را گشتم، اما شعر سعدی را پیدا نکردم. بعدها که در سال ۱۳۶۷ برای مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ به ژنو رفتم، مقر اروپایی ملل متحد را نیز جست‌وجو کردم و آن را نیافتم. از دوستان و افراد با سابقه‌تر نیز پرسیدم، ولی کسی این شعر را ندیده بود.
در دوران سفارت در سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۳ مطلع شدم که جناب آقای محمد صیرفیان که یکی از معروف‌ترین تجار فرش اصفهان است، یک فرش نفیس پنج متر در پنج متر بافته است که در وسط این فرش شعر سعدی با نخ طلا نوشته شده است. ایشان اظهار تمایل کردند که این فرش را به سازمان ملل متحد هدیه بدهند به شرطی که آن را در یک محل مناسب نصب کنند. با توجه به ابعاد این فرش، هر دیواری برای نصب آن مناسب نبود و فقط چند دیوار در کل مقر ملل متحد وجود داشت که می‌شد این فرش را روی آن نصب کرد. یکی دیواری بود که فرش بزرگ شش در چهاری که در زمان مرحوم دکتر مصدق به ملل متحد هدیه شده بود روی آن نصب بود و دیگری دیوار بزرگ "سالن مذاکرات نمایندگان" بود که فرشی از دیوار چین وسط آن دیوار نصب شده بود. با توجه به تعدد هدایا و محدودیت جا برای نصب فرش مزین به شعر سعدی، ناگزیر شدم در حد دبیر کل ملل متحد وارد مذاکره شوم تا این فرش را به عنوان نماد گفت‌وگوی تمدن‌ها در مکان مناسبی نصب کند. لازم به یادآوری است که سال ۲۰۰۱ به پیشنهاد جناب آقای خاتمی، سال گفت‌وگوی تمدن‌ها در سازمان ملل متحد اعلام شده بود. در پیگیری‌های بعدی پیشنهاد کردند که با توجه به تعدد هدایا و محدودیت مکان نصب، فرش مزین به شعر سعدی را به جای فرش اهدایی از سوی مرحوم مصدق نصب کنیم که نپذیرفتیم. با فاصله کمی خبردار شدیم که می‌خواهند فرش چین را برای شست‌وشو پایین بیاورند. در آن دیوار جای دو فرش بود، اما فرش چین در وسط آن دیوار قرار داشت. از این رو با پیگیری زیاد یکی از همکاران خوبم در نمایندگی، توانستیم فرش مزین به شعر سعدی را همان‌طور که در عکس می‌بینید، در کنار فرش دیوار چین نصب کنیم.
در تابلوی کنار فرش نیز ترجمه زیبایی از شعر سعدی را به انگلیسی تهیه کردیم تا بینندگان علاوه بر زیبایی هنر ایرانی، با مفاهیم بلند انسانی فرهنگ ایرانی نیز آشنا تر شوند. بالاخره شعر سعدی به سازمان ملل متحد رفت.

گزارش

سعدی و هوگو در تهران همنشین شدند

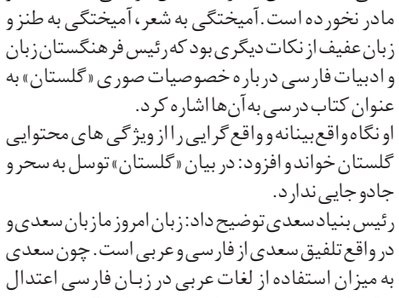

اولین روز از همایش «سعدی و ویکتور هوگو» روز گذشته در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد. سخنرانان این رویداد به ویژگی‌های مشترک دو شخصیت بزرگ ادبیات فارسی و فرانسه و تاثیری که بر اجتماع خودشان گذاشتند، اشاره کردند. به گزارش ایسنا، در این همایش غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی گفت: از سال ۶۵۵ که «گلستان» تالیف شده، کتاب درسی زبان‌آموزی و فارسی‌آموزی در سراسر قلمرو فارسی‌زبانان بوده و به اندازه‌ای در جای خودش خوش نشسته که بی‌رقیب و بی‌بدیل بوده است؛ «گلستان» از مکتب‌خانه‌های ایران تا شبه قاره هند، آسیای میانه، آسیای صغیر و شمال آفریقا، کتاب درسی بوده است.
او افزود: «گلستان» از زمان تدوینش، باقی کتاب‌های ادبی درسی را کنار زد و آن‌ها را منسوخ کرد. این کتاب حتی توانست جا را برای رقیبی چون «کلیله و دمنه» تنگ کند.
حداد عادل ادامه داد: در همه این دوره‌ها، سنت گلستان‌خوانی منسوخ نشد، گرچه ضعیف شده است. کسی که «گلستان» نخوانده، مثل کودکی است که شیر مادر نخورده است. آمیختگی به شعر، آمیختگی به طنز و زبان عفیف از نکات دیگری بود که رئیس فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی درباره خصوصیات صوری «گلستان» به عنوان کتاب درسی به آن‌ها اشاره کرد.
او نگاه واقع‌بینانه و واقع‌گرایی را از ویژگی‌های محتوایی گلستان خواند و افزود: در بیان «گلستان» توسل به سحر و جادو جایی ندارد.
رئیس بنیاد سعدی توضیح داد: زبان امروز ما زبان سعدی و در واقع تلفیق سعدی از فارسی و عربی است. چون سعدی به میزان استفاده از لغات عربی در زبان فارسی اعتدال برقرار کرد. همچنین هیچ کس به اندازه او در گسترش زبان فارسی در جهان نقش نداشته و این چنین بود که ما وقتی می‌خواستیم بنیادی برای آموزش زبان فارسی تاسیس کنیم دیدیم نام سعدی برازنده آن است. کوروش کمالی سروستانی، مدیر مرکز سعدی‌شناسی، هم در این مراسم گفت: گستردگی و تنوع آثار سعدی او را به سخنوری توانا و اندیشه‌ورزی نامی تبدیل کرده و سلیقه‌های مختلف را به سوی خود جلب کرده است. حضور همیشگی سعدی در میان مردم و آمیزش او با گروه‌های مختلف اجتماع، کلام او را مورد اقبال همگان قرار داده، چنانکه او را سخنگوی مردم می‌دانند. این حضور پیوسته تنها در محدوده جغرافیایی زبان پارسی نمانده و مرزهای بسیاری را در نور دیده است. او تاکید کرد: سعدی شاعری جهانی است و جهان شاعر نیز در آثارش اقصای عالم را در بر می‌گیرد و به شهرها و کشورها و قبیله‌ها و اندیشه‌ها و دین‌های مختلف می‌پردازد. این سعدی‌پژوه افزود: ویکتور هوگو شاعر و نویسنده رمانتیک فرانسوی، فارسی نمی‌دانست، اما به کمک ژول مول و ارنست فوئینه ایرانشناسان برجسته فرانسه در ۲۵ سالگی با شاعران مشرق‌زمین و ایران آشنا و دلباخته اندیشه و نگاه سعدی شد. هوگو در ۲۷ سالگی دین خود را به عشق خود، ادبیات ایران و مشرق‌زمین با انتشار «شرقیات» خود ادامی کند و با بهره‌گیری از مضامین سعدی در «گلستان» می‌نویسد: "همه چیز گذران است، شرق عظمت خود را از دست داده است. غرب نیز به زودی از دست خواهد داد. پس چه باید کرد؟ همان کاری که سعدی شیراز کرده است: باید گلستانی ساخت که "باد خزان را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش زمان، عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند".
همچنین علی اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهر کتاب با طرح این پرسش که "چرا سعدی و ویکتور هوگو؟" به ویژگی‌های مشترک هر دو پرداخت و گفت: سعدی و هوگو مصلح اجتماعی هستند و از سوی دیگر در زبان تحول ایجاد کرده‌اند. هم سعدی و هم هوگو در زبان فارسی و فرانسه به فصاحت شناخته شده‌اند و در شعر غنایی هم شاهکارهایی آفریده‌اند. هر دو در شهر ادب و هنر زندگی کرده‌اند؛ شیراز و پاریس.
میرجلال الدین کزازی سخنران دیگر این نشست بود که با موضوع «دو بزرگمرد مردم‌دوست» سخنرانی کرد. این نویسنده برجسته‌ترین و بنیادی‌ترین رشته پیوند در سعدی و هوگو را نگاهی خواند که آنان به انسان دارند و گفت: در همه سروده‌ها و نوشته‌های سعدی و هوگو همواره با چهره انسان روبه‌رو هستیم. شما در سروده‌ها و نوشته‌های اندرزین سعدی همواره می‌بینید که به انسان می‌اندیشد؛ اگر به بخش‌های هشت‌گانه گلستان یا ده‌گانه بوستان نگاهی بیفکنید و نام آن‌ها را بخوانید نمود آشکار و چشمگیر مردم‌دوستی را خواهید دید. او افزود: ویژگی دیگر هر دو زیباپرستی و هنرمندی است. آثار سعدی از درون ساده و بی‌پیرایه‌اند. نگاه هوگو هم، هنر به پاس هنر و هنر به پاس انسانیت است.

یادمان های اول اردیبهشت

شعر یک شاعر بوسنیایی برای سهراب

اِنِس کیشِویچ در شعری، از سهراب سپهری می گوید. به گزارش ایسنا، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در کرواسی در معرفی این شاعر نوشته است: اِنِس کیشِویچ شاعر بوسنیایی- کرواتی یازدهم اردیبهشت سال ۱۳۲۶ هجری خورشیدی در شهر بُسانسکا کروپا در بوسنی هرزگوین به دنیا آمده است. تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در شهر کلوچ به پایان برده و در سال ۱۳۵۰ از آکادمی هنرهای نمایشی و فیلم دانش آموخته شده است. او در سال های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۶ میلادی نامزد دریافت جایزه نوبل بوده است. مجموعه اشعار وی به نام «تاریکی بامدادی» به زبان فارسی ترجمه شده است و به زودی وارد بازار شعر ایران خواهد شد.
برای سهراب سپهری
بار دانش را از دوش پرستو به زمین بگذاریم
سبک بال بسان پرنده
در تاریکی فلق بر آب بوسه می‌زنم
پیشانی‌ام را بر گلیم به جای مانده از مادر می گذارم-
و یکباره سهراب سپهری، نقاش و شاعر،
میانه آیه می‌پرد.
بر زبانم می‌افتد، آنگونه که بر سجده می‌افتم
و همصدا با من نیایش آغاز می کند.
به اول سوره باز می گردم،
باشد که من باشم و خدای خود-
با این پندار که سهراب رفته است.
زهی خیال باطل!
هر چه می کنم، جدایی نام شاعر از نام خدا میسرم نمی‌شود.
و هنگامی که پس از چند بار تلاش بی نتیجه،
از خدای خود طلب بخشش می کنم-
حلقه‌ای نورانی
از لبانم جدا می‌شود
و به سجده می‌افتد.

فرزند علامه اقبال لاهوری:

رهبر ایران بیشتر از من «اقبال‌شناس» هستند

دکتر «جاوید اقبال»، فرزند شاعر پرآوازه علامه اقبال لاهوری، با اشاره به اینکه حضرت آیت ا... خامنه‌ای بیش از ۲ هزار بیت از اشعار اقبال را حفظ هستند، تصریح کرد: رهبر ایران اقبال را بهتر از من می‌شناسند. دکتر جاوید اقبال، فرزند علامه محمد اقبال لاهوری، در گفت‌وگو با فارس در لاهور گفت: در کنفرانسی که چند سال پیش برای بزرگداشت اقبال در تهران برگزار شده بود، متوجه شدم که آیت ا... خامنه‌ای حدود ۲ هزار بیت از اشعار اقبال را حفظ هستند که این باعث شگفتی من شد چون حتی من که فرزند اقبال هستم نمی‌توانم چنین حجم عظیمی از اشعار را یک جا به یاد آورم. فرزند علامه اقبال درباره اهمیت زبان فارسی نیز گفت: از آنجا که تدریس زبان فارسی در مدارس پاکستان کنار گذاشته شده است، ما از نظر فرهنگی در هوا معلق مانده‌ایم. دکتر جاوید خاطر نشان کرد: در زبان فارسی ارزش‌های فرهنگی نهفته است که با رها کردن آن زبان، به نوعی فرهنگمان را رها می کنیم. وی تصریح کرد: بیش از نیمی از اشعار اقبال به زبان فارسی سروده شده است که نشان می‌دهد این زبان تا چه حد بر اقبال و شکل‌گیری اندیشه‌های او تأثیرگذار بوده است. دکتر جاوید درباره تأثیر اقبال بر ایران معتقد است که وی تأثیر زیادی بر مردم ایران داشته است و مردم ایران علاقه زیادی به این شاعر دارند. فرزند اقبال خاطر نشان کرد: ۳ شخصیت در زندگی علامه اقبال تأثیرگذار بودند و جالب است که هر ۳ نفر شیعه اثنی عشری بودند: «مولانا میر حسن» معلم اقبال، «سید جمال الدین» و «محمد علی جناح» بنیانگذار پاکستان. وی افزود: اقبال همیشه معلم دوران کودکی اش را می‌ستود که او را در مسیر درست قرار داد و معتقد بود که اگر میر حسن در زندگی دوران کودکی اش وارد نمی‌شد او تبدیل به یک معلم سنتی علوم دینی می‌شد.

راز های شاعر موسیقی دان

معمولا کمتر درباره توانایی ملک الشعرای بهار در تصنیف‌سرایی صحبت می‌شود، در حالی که تصنیف مشهور «مرغ سحر» از سروده‌های انتقادی بهار است و مخاطب آن ایرانیانی بوده‌اند که هریک به نوعی ظلم و بی‌عدالتی را چشیده‌اند. دکتر دره‌دادجو، در گفت‌وگو با ایبنا از ویژگی‌های این تصنیف گفت.
وی گفت: باید بدانیم که بهار، جزو اولین کسانی بود که دریافت برای نجات موسیقی و ترانه‌سرایی باید از مصرع‌های کوتاه استفاده شود و هجاهای کوتاه و بلند و مصوت‌های زائد باید به شکلی به کار روند که در هیچ جا، کلمه و لفظ، قربانی موسیقی نشود. دادجو که در حوزه موسیقی نیز فعالیت می کند، گفت: گرچه تصنیف‌های اجتماعی- انقلابی در ایران با اشعار عارف قزوینی آغاز می‌شود، اما شعر «مرغ سحر» نقطه عطفی در تاریخ ترانه‌سرایی ما به حساب می‌آید. زیرا ملک‌الشعرا به دلیل اشرافی که هم بر ادبیات فارسی و هم موسیقی داشت، موفق شد کلامی را خلق کند تا در کنار ملودی ممتاز مرتضی نی‌داوود ماندگار شود. نی‌داوود نیز موسیقی‌دانی است که با شعر و ادبیات فارسی آشنایی داشته است. به عبارت دیگر، ماندگاری تصنیف مرغ سحر حاصل کوشش یک موسیقی‌دان شاعر و یک شاعر موسیقی‌دان بوده است.
در تصنیف مرغ سحر، برای ساخت ملودی، هیچ کلمه‌ای کم یا زیاد نشده است. ترانه بهار برای آهنگ خلق شده و این مناسب‌ترین نوع شعر برای ملودی ایرانی است. بهار با اشراف کاملی که به موسیقی داشت، توانست شعر و آهنگ را با تفاهم کامل پیش ببرد. برای پیشرفت در حوزه ترانه‌سرایی و موسیقی به چنین فرم‌هایی نیاز مندیم. او با اشاره به این که مردم معمولا فقط بند اول این تصنیف را بلد هستند و شنیده‌اند، در تحلیل بند دوم می‌گوید: شاعر در بند اول مخاطب را با زبانی تمثیلی و استعاری درباره تلخی‌های اجتماعی آماده می‌کند تا او را به بند دوم سوق دهد، بندی که در آن یک سری اخبار و اطلاعات تلخ مانند «عمر حقیقت به سر شد»، «عهد و وفا پی‌سپر شد» یعنی تمام شد، «ناله عاشق، ناز معشوق / هر دو دروغ و بی‌اثر شد» به مخاطب منتقل می‌شود. وی ادامه داد: پس آنچه در بند اول با لفافه بیان می‌شود، در همان ابتدای بند دوم با یک سری اعتراضات تند و تلخ به طور علنی بیان می‌شود.

آواز در ایران قدیم، مرتبتی والا داشت

هوشنگ جاوید- پژوهشگر موسیقی- گفت: زمانی در ایران قدیم، آواز مرتبتی والا داشت، قدر و ارزش فراوانی برای آن قائل بودند و آواز در تمام مراحل و مراتب زندگی آدم‌ها جاری بود.
به گزارش ایسنا، در هشتمین نشست «آیین آواز» هوشنگ جاوید، پژوهشگر ، هادی منتظری نوازنده کمانچه و علی شیرازی، خواننده و مجری برنامه، به بحث و بررسی درباره «ماهیت و جنس صدا» پرداختند. این بخش در غیاب پژمان طهماسیان، پژوهشگر، برگزار شد که برخلاف اعلام قبلی، به دلایلی نتوانست در این نشست حضور پیدا کند.
در ابتدا، هوشنگ جاوید اظهار کرد: نگاه ما به ماهیت و جنس صدا و همین طور جایگاه خواننده در موسیقی ایرانی و آواز خوب و شرایط خواننده بودن یا خواننده شدن در رساله‌های علمی که پس از اسلام در ایران نوشته شده، چه بوده است؟ آیا امروزه به این داشته‌ها می‌اندیشیم؟ این موضوع در بخش مباحثه فنی هشتمین نشست «آیین آواز» بررسی می‌شود.
این پژوهشگر موسیقی نواحی و آیینی ضمن انتقاد از وضعیت کنونی هنر آواز، ادامه داد: زمانی در ایران قدیم، آواز مرتبتی والا داشت و قدر و ارزش فراوانی برای آن قائل بودند. آواز در تمام مراحل و مراتب زندگی آدم‌ها جاری بود.
او ضمن گذاشتن کف یکی از دستانش روی گوش خود، سعی کرد فیگور آواز خوانان قدیم را به نمایش بگذارد و یادآوری کرد: به این دستگاه‌های پخش صوت که روی همین صحنه است، دقت کنید؛ می‌دانیم که کار آن‌ها تقویت و پژواک دادن یا همان دادن حالت اکو به صداست.
در حالی که قرن‌ها پیش، خوانندگان سرزمین ما با گذاشتن یک یا دو کف دست روی یک یا دو گوش- البته با گود کردن کف دست- همین پژواک و طنین را تولید می‌کردند؛ ولی چند نفر از ما ایرانیان از این موضوع آگاه هستیم؟ اصلا چرا باید تا این حد با فرهنگ و تاریخمان بیگانه باشیم؟
علی شیرازی نیز گفت: به هر حال، همه ما می‌دانیم که ایران حمله‌ها و تهاجم‌های عظیمی را در طول تاریخ از سر گذرانده و متأسفانه هر بار بخشی از فرهنگ، هنر و دارایی‌های عظیم ما به یغما رفته است. هادی منتظری نیز با بیان این که به طور غیرمنتظره به حضور در این بحث فراخوانده شده است، نکاتی را در زمینه ماهیت و جنس صدا مطرح کرد.
پس از پایان بحث فنی و نظری، محمد خالقی نوازنده سه‌تار به همراه برادرش مصطفی خالقی، خواننده، روی صحنه آمد. این نوازنده و آهنگساز پیش از شروع برنامه موسیقایی اش اعلام کرد که طی تلاش و ممارستی که در سه‌تارنوازی انجام داده، تا کنون توانسته است خلاقیتی نو و ابتکاری خاص را در این ساز به منصه ظهور برساند، به این صورت که فارغ از نوازندگی سنتی این ساز، در امر بسط و گسترش وسعت صدایی سه‌تار، به مقوله‌هایی مانند آکورد نوازی، آرپژ، حرکت عرضی به جای طولی و حتی نوع مضراب زدن به شیوه سازهایی مانند تار و گیتار پرداخته است.
برادران خالقی به اجرای تصانیفی مانند «پشت این کوه بلند»، «صیاد پیر» و قطعه «شروع» در دستگاه نوا پرداختند.
محمد خالقی همچنین گفت که در فرآیند رسیدن به این موارد به هیچ عنوان در ساختار فیزیکی سه‌تار تغییری ایجاد نکرده، به علاوه یافته‌ها و تجاربش را در این زمینه به صورت کتاب مدون کرده است که در هفته‌های آینده انتشار می‌یابد.
بخش بعدی برنامه با حضور غلامحسن فتحی، آوازخوان به همراه فرزندش مرتضی فتحی نوازنده کمانچه و نیز محمد طیبی نوازنده تنبک و دایره، در دستگاه چهارگاه اجرا شد. غلامحسن فتحی (متولد ۱۳۳۸ هشترود تبریز) خوانندگی را ابتدا نزد کریم صالح‌عظیمی و سپس نزد حاتم عسگری آموخت.
در ادامه نیز کنسرت‌هایی را در داخل و خارج از کشور با گروه‌های همنوازان عرفان و آرشاویر اجرا کرد.